

❖❖❖

رهنمودهای اخلاقی امام خمینی (ع)

به طلاب



خداداد شمس الدینی

در میان جمعیت درس نخواننده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان می‌خواند و آنان را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد، با آنکه قبل از آن در گمراهی آشکار بودند.»

رسول گرامی اسلام ﷺ خود در این باره می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛^۲ برانگیخته شدم تا مکرمت‌های اخلاقی را تکمیل کنم.»
در همین راستا حضرت امام ﷺ

اخلاق، یکی از سه بعد عمده در دین است؛ چراکه اسلام بر سه بعد اصلی «اعتقاد»، «احکام» و «اخلاق» استوار است. تهذیب و تزکیه اخلاقی انسانها از رذایل و آراستن ایشان به فضایل اخلاقی، از اصول شرایع آسمانی و اهداف غایی انبیای الهی ﷺ به شمار می‌رود. قرآن مجید نیز در چندین آیه از چنین رسالتی برای پیامبر اسلام ﷺ یاد می‌کند. از جمله می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛^۱ «او کسی است که

۱. جمعه/۲.

۲. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسة آل البيت، قم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱، ص ۱۸۷.

حضرت امام خمینی علیه السلام بر این باورند که تا هیئت راسخ حاصل نشود، احتمال انجام اخلاق سوء هست: «تا نفس به واسطه ریاضت و تفکر و تکرر به این مقام نرسد، دارای خُلق نشده است و کمال نفس جاصل نگردیده، و بیم آن است که آن خُلق اگر از کمالات است، زایل شود و عادات و اخلاق سیئه بر آن غالب آید.»^۳

ضرورت اخلاق

ایشان فرموده‌اند: «اگر بخواهید خدمت‌گزار اسلام باشید، خدمت‌گزار ملت اسلام باشید، باید دانشگاه، فیضیه و همه آنها که مربوط به دانشگاه، هستند و همه آنها که مربوط به فیضیه هستند، در رأس برنامه تحصیلی‌شان برنامه اخلاقی و برنامه تهذیبی باشد تا فرآورده‌های آن، امثال مطهری علیه السلام را به

نیز در رهنمودهای خود، ارزشهای اخلاقی را احیاء کردند و توجه طلاب علوم دینی را به اخلاق و سعادت موعود معطوف داشتند. ایشان می‌فرمایند: «اخلاق باید در همه جا و در همه دروس مورد توجه قرار گیرد و اعتقاد بر این است که باید هر کسی حوزه درسی بزرگ و کوچک دارد، یکی دو دقیقه مقدماً و مؤخرتاً درس اخلاق بگوید تا طلاب با اخلاق اسلامی بار بیایند.»^۱

تعریف اخلاق

امام راحل در تعریف اخلاق آورده‌اند: «خُلق عبارت است از حالتی در نفس که انسان را دعوت به عمل می‌کند، بدون رویه و فکر، مثلاً: کسی که دارای خُلق «سَخاوت» است، آن خُلق او را وادار به جود و انفاق می‌کند، بدون آنکه مقدماتی تشکیل دهد و مرجحاتی فکر کند؛ گویی یکی از افعال طبیعی او است، مثل دیدن و شنیدن. و همین‌طور نفس «عَفیف» که این صفت، خُلق آن شده است، به طوری که حفظ نفس کند که گویی یکی از افعال طبیعی او است.»^۲

۱. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه السلام، مرکز مدارک فرهنگ اسلامی، انتشارات شرکت سهامی، چاپخانه وزارت ارشاد، ۱۳۶۱ ه. ش، ج ۲۰، ص ۵۶.

۲. شرح چهل حدیث، حضرت امام خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱ ه. ش، ص ۵۱۰.

۳. همان.

جامعه تسلیم کند.»^۱

راههای تحصیل اخلاق عملی

الف. نحوه عملکرد از نظر امام علیه السلام

برای تحصیل ارزشهای اخلاقی روشهای گوناگونی وجود دارد:

۱. خودآغازی

حضرت امام علیه السلام در بسیاری از ملاقاتهای خود با روحانیت و اقشار مختلف مردم، بر تزکیه و تهذیب نفس تأکید داشتند و بر این باور بودند که: «مبدأ هر امری از خود آدم شروع می شود.»^۲ و اصلاح نفس را «ما باید از خودمان شروع کنیم.»^۳

ایشان در جای دیگری فرموده‌اند: «تهذیب را از خودتان شروع کنید؛ چون تا اصلاح نکنید نفوس خودتان را، از خودتان شروع نکنید و خودتان را تهذیب نکنید، شما نمی‌توانید دیگران را تهذیب کنید. آدمی که خودش آدم صحیحی نیست، نمی‌تواند دیگران را تصحیح کند.»^۴

«باید از همین حالا، همین جوان ۱۲ ساله، همین جوان ۲۰ ساله که در مدارس علمی است، باید خودش را آن طوری که رضای خدا است و آن

طوری که دستورات الهی است، عادت بدهد به اینکه آن طور باشد. یک قدم برای تحصیل علم بر می‌دارید، یک قدم برای اخلاق خوب و تهذیب بردارید. اگر خدای نخواستہ آقایان مهذب نباشند، اگر خدای نخواستہ آقایان آن طوری که اسلام می‌خواهد نباشند، این ضررش از نفعش بیشتر است. تمام ادیانی که مخترع (ادیان ساختگی) است و تمام ادیانی که اختراع شده و کذب است، این اشخاص هستند که تحصیل کرده مؤسس هستند. اشخاصی که در حوزه‌های علمیه تحصیل کرده‌اند، لکن مهذب نبودند. شما ملاحظه بفرمایید رؤسای مذاهب باطله را، می‌بینید که تمامی‌شان از اشخاصی هستند که درس خواندند، لکن مهذب نبودند.»^۵

۱. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

۲. صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام، تدوین و تنظیم نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه.ش، ج ۱۲، ص ۴۹۸.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۵۳۳.

۴. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۱.

۵. روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام

۲. غنیمت شمردن فرصت جوانی

امام علیه السلام همواره به جوانان سفارش می‌کردند: «شما الآن جوان هستید، می‌توانید خودتان را تهذیب کنید.»^۱ و نیز فرمودند: «نگذارید قوای جوانی از دستتان برود. هرچه قوای جوانی از دست برود، ریشه‌های اخلاق فاسد در انسان زیادتر می‌شود.»^۲

تأمین دنیا و آخرت

ایشان در فرازی می‌فرمایند: «شما جوانید و جوانی را در این راه گذاشته‌اید، در صورتی که از نظر دنیوی بر شما چندان نفعی ندارد. اگر این اوقات گرانبها و بهار جوانی را در راه خدا و مصرفی مقدس و مشخص به کار اندازید، ضرر نکرده‌اید؛ بلکه دنیا و آخرت شما تأمین است. لکن اگر وضع شما به همین منوال باشد که اکنون مشاهده می‌گردد، جوانی را تلف کرده و لباب عمر شما به بیهودگی سپری شده است. و در عالم دیگر در پیشگاه خدا سخت مسئول [هستید] و مؤاخذه خواهید شد، در صورتی که کیفر این اعمال و کردار مفسده‌انگیز شما تنها به عالم دیگر محدود

نمی‌شود. در دنیا نیز با مشکلات و مصائب و گرفتاریهای شدید و گوناگون دست به گریبان بوده و در گرداب بلا و تیره‌بختی خواهید افتاد.»^۳

انس با قرآن در جوانی

در حدیث است که «کسی که قرآن را در جوانی بخواند، قرآن با خون و گوشتش مختلط شود.» نکته آن این است که در جوانی اشتغال قلب و کدورت آن کمتر است. از این جهت قلب بیشتر و زودتر متأثر می‌شود.»^۴

اثر معاشرت و گزینش دوستان خوب

«از وصیتهای من که در آستانه مرگ [هستم] و نفسهای آخر را می‌کشم، به تو که از نعمت جوانی برخورداری، آن است که معاشر خود و دوستان خویش را از اشخاص وارسته

۱. خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۴ ه.ش، ص ۳۶۶.

۲. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۸۶.

۳. همان، ص ۳۰۰.

۴. جهاد اکبر، حضرت امام خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ دهم، ۱۳۷۸ ه.ش، ص ۶۰.

۵. ر.ک: آداب الصلوة، ص ۱۹؛ اخلاق و تهذیب روحانیت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، انتشارات نسیم، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه.ش، ص ۶۱.

و متعهد و متوجه به معنویات و آنان که به حب دنیا و زخارف آن گرایش ندارند و از مال و منال دنیا به اندازه کفایت و حد متعارف پابرون نمی‌گذارند و مجالس و محافلشان آلوده به گناه نیست و از اخلاق کریمه برخوردارند، انتخاب کن که تأثیر معاشرت در دو طرف صلاح و فساد اجتناب‌ناپذیر است. و سعی کن از مجالسی که انسان را از یاد خدا غافل می‌کند پرهیز نمایی که با خو گرفتن با این مجالس ممکن است از انسان سلب توفیق شود که خود مصیبتی جبران‌ناپذیر است.»^۱

۳. تقدم تزکیه بر تعلیم

در برخی از آیات قرآن کریم تزکیه بر تعلیم مقدم شده است: «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۲ «و تزکیه می‌کند آنها را و کتاب و حکمت را به آنها یاد می‌دهد.»

امام علیه السلام نیز در برنامه تربیتی و اخلاقی خود تزکیه را مقدم بر تعلیم می‌داند: «تزکیه مقدم است بر همه چیز. طلبه‌ای که در مدرسه درس می‌خواند، هم‌دوش با درس، هم‌قدم با

درس تزکیه لازم دارد.»^۳
«مهدب بشوید به آداب الله، به سنن الله. اگر چنانچه این نباشد، علم اثری ندارد. آن نوری که خدای تبارک و تعالی یَقْذِفُهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ (خداوند متعال نور علم را در قلب هر کس که بخواهد می‌اندازد) اگر مهدب نباشد، قذف نخواهد شد. یک فنی است که آن علمی که نورانیت می‌آورد و نور است، خدای تبارک و تعالی آن را عنایت می‌فرماید. آن به هر قلبی عنایت نمی‌شود. هر قلبی لایق آن نیست. تا مهدب نباشد، تا خودش را خالی نکند از اخلاق زشت، خالی نکند از اعمال زشت، تا متوجه خدا نباشد و تمام قلب را به او تسلیم نکند، خدای تبارک و تعالی قذف نمی‌فرماید.»^۴

به گفته امام علیه السلام طلاب و روحانیان در امر تهذیب نفس باید پیش‌قدم باشند: «همه باید اخلاق خودشان را تهذیب کنند، همه باید جهاد نفس

۱. همان، ص ۶۰.

۲. آل عمران/ ۱۶۴.

۳. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۹۲.

۴. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۸.

کنند؛ لکن شما [روحانیان] اولی هستید.^۱

ب. مراتب تحصیل اخلاق عملی از منظر امام علیه السلام

۱. بیداری

امام علیه السلام به این مطلب چنین اشاره می‌کنند: «بدان اوّل منزل از منازل انسانیت، منزل یقظه و بیداری است... و باید دانست که از موانع بزرگ این یقظه و بیداری که اسباب نسیان مقصد و نسیان لزوم سیر شود و اراده و عزم را در انسان می‌میراند، آن است که انسان گسمان کند وقت برای سیر وسیع است.»^۲

۲. تقوا

امام بزرگوار، تهذیب، خودسازی و تقوای پیشگی را اساس کار حوزه‌های علمیه می‌دانست و عقیده داشت که آنان با تقوا و تهذیب می‌توانند به وظیفه خویش عمل کنند و پیش از پذیرش هر مسئولیتی باید به تهذیب خود پردازند و رذایل اخلاقی را از خود دور سازند و فضایل را کسب کنند، سپس با زاد و توشه تقوا به راهنمایی و هدایت مردم همت

گمارند:

«تقوا را، تقوا را، تقوا را نصب العین خود قرار دهید، فضلا، طلاب علوم دینی، تقوا، تقوا، تنزیه نفس، مجاهده با نفس، یک مجاهد با نفس می‌تواند بر امت حکومت کند. مجاهده کنید، تهذیب کنید حوزه‌های خودتان را.»^۳

۳. اخلاص

از مسائل بااهمیتی که برای طلاب علوم دینی توجه به آن ضروری است، تحصیل اخلاص و پاک‌سازی و تصفیه نیت است.

باید درس را برای خدا بخوانند؛ یعنی برای دستگیری و هدایت و ارشاد جهال درس بخوانند و بندگان خدا را از ورطه جهالت و ضلالت برهانند و هرگز قصد خود را رسیدن به اهداف آلوده دنیوی قرار ندهند... طلبه ابتدا باید فکر مسندیابی، جساه‌طلبی، نام‌جویی، رسیدن به مرجعیت و رهبری و... را از خویش

۱. همان، ج ۶، ص ۲۸۷.

۲. شرح چهل حدیث، ص ۱۷۴.

۳. صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۳۱.

حالا حفظ کرده، این است که ساده زندگی کردند. آنهایی که منشأ آثار بزرگ بودند، در زندگی ساده زندگی می کردند.

مسئله تشریفات حوزه و روحانیت است که دارد زیاد می شود. وقتی تشریفات زیاد شد، محتوا کنار می رود. وقتی ساختمان، ماشین، دم و دستگاہها زیاد شد، محتوا کنار می رود. موجب می شود بنیه فقهی اسلام صدمه ببیند. واقعاً نمی دانم با این وضع چه کنم. این تشریفات اسباب می شود که روحانیت شکست بخورد. زندگی صاحب جواهر را با زندگی روحانیون امروز بسنجیم. خوب می فهمیم که چه ضربه ای به دست خودمان به خودمان می زنیم»^۲

بیرون کند، و الا نه عملش به حال او سودی خواهد داشت؛ بلکه هر قدر جلوتر رود، به جهنم نزدیک تر می شود و اسباب بدبختی خود و در بیشتر اوقات بدبختی امت و جامعه را فراهم می کند. ضررهایی که از سوی غیر مخلص، در طول تاریخ اسلام به این دین حنیف وارد شده و ضربه هایی که به پیکرش فرود آمده، بی شمار است. تحصیل اخلاص بسی دشوار است و به این سادگی نمی توان به آن - که شرط اساسی همه کارها است، دست یافت. و احتیاج به مبارزه طولانی و مداوم با نفس و استقامت دارد. خداوند متعال می فرماید: «الإخْلَاصُ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِي اسْتَوْعَمَتْهُ قَلْبٌ مَنْ أَحْبَبْتُمْ مِنْ عِبَادِي،^۱ اخلاص [و پالایش قصد و نیت]، یکی از اسرار من می باشد که در دل هر یک از بندگان خویش که دوست دارم به ودیعت نهاده ام.»

۴. ساده زیستی و پرهیز از تشریفات

«یکی از امور مهم این است که روحانیون باید ساده زندگی کنند. آن چیزی که روحانیت را پیش برده [و] تا

۱. منية المرید فی أدب المفید والمستفید، شهید ثانی، تحقیق رضا مختاری، ناشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم المقدسه، چاپ دوم، ص ۱۳۳.
۲. اسلام ناب در کلام و بیان امام خمینی علیه السلام، تبیان (آثار موضوعی)، دفتر پنجم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ پنجم، ص ۳۴۹.